

واژه نامه ی مختصری از اصطلاحات ناآشنائی که در سراسر این کتاب به مفهوم خاصی مصرف شده اند

اعتصاب سیاسی- اعتصابی که در آن کارگرها هدف سیاسی دارند، و اغلب به عنوان اعتراض به سیاست های حکومت بر پا می شود.

انقلاب کاخی- خلع، و در صورت لزوم قتل پادشاه به وسیله ی اعضاء و وابستگان دربار.

ایزوستیا- "اخبار"، ارگان رسمی شورا، عنوان کاملش عبارت بود از: "اخبار شورا".

بورژوازی- در زمان فنودالیسم به شهرنشینان، در تمایز با روستائینان، اطلاق می شد، این واژه بعداً به معنای نمایندگان سرمایه، در تمایز با اشراف زمین دار و کارگران مزدگیر به کار رفت. در مواردی که اشراف زمین دار نقش طبقاتی جداگانه ی خود را از دست داده اند، کلمه ی بورژوازی اغلب به معنای "طبقات دارا" مصرف می شود.

پیروان ناخلف- پیروانی که تعالیم استاد خود را تحریف می کنند- نویسنده ی کتاب این اصطلاح را به رهبران، مورخان، و نظریه پردازان کنونی حزب کمونیست در روسیه اطلاق کرده است.

پراودا- "حقیقت"- روزنامه ی رسمی حزب بلشویک، نخستین بار در سال ۱۹۱۲ منشر شد.

تعاونی ها- تعاونی های جوامع مصرف کننده که به وسیله ی لیبرال ها و سوسیالیست های میانه رو در سراسر روسیه تأسیس شده بود.

خرده بورژوازی- ملاک های خرده پا، کشاورزان، صنعتگران، بازرگانان- به طور عام، مردمی که کارگر استخدام می کنند اما خود نیز کار می کنند.

دوما- پارلمان روسیه ی تزاری، با قدرت محدود و مبتنی بر یک سیستم رأی گیری پر تبعیض.

دوماها- سازمان های حکومتی انتخابی در شهرها.

زمین اشتراکی- زمینی که به طور مشترک به دهقان های یک روستا تعلق داشت.

ژیروندیست ها- اعضای ژیروند، یکی از احزاب انقلاب فرانسه که بیانگر منافع بورژوازی بزرگ در جنوب و غرب فرانسه بود (بیشتر رهبرانش از اهالی ایالت ژیروند بودند). آنان قصد برانداختن رژیم قدیم را داشتند، زیرا این رژیم بر سر راه رشد اقتصادی فرانسه ایستاده بود. منتها از تنگ دست های شهرنشین و از توده های دهقان می ترسیدند، حال آن که فقط همین مردم اخیر قدرت برانداختن رژیم قدیم را داشتند. از این رو، ژیروندیست ها دائماً بین انقلاب و ضدانقلاب در نوسان بودند، و سرانجام به ضدانقلاب پیوستند.

شورا- در ترجمه ی حاضر، فقط به انجمن های نمایندگان کارگران و سربازان (بعداً نیز دهقانان) اطلاق شده است. در سایر موارد، کلمه ی انجمن به کار رفته است.

شورای مقدس کلیسا- عالی ترین مرجع حکومت در کلیسای ارتدکس یونانی روسیه.

فروندیست ها- اعضای فروند، بخشی از اشرافیت فرانسه که در زمان اقلیت لویی چهاردهم، به مخالفت با حکومت برخاست، و با حزب دربار به جنگ پرداخت. هم چنین اصطلاحی عام برای مخالفتی که از درون اشرافیت حاکم برخیزد، و گاهی اوقات نیز به معنای مخالفتی که از "لجاجت" محض سرچشمه بگیرد.

قزاق- سواره نظامی که طبقه ی منفصل و تقریباً ملیت خاصی را در روسیه ی تزاری تشکیل می داد. قزاق ها در ازای خدمت اجباری نظام، از امتیازات مخصوصی برخوردار بودند (از قبیل معافیت از مالیات و تمتع از تیول).

کارماریلا- گروهی از مشاوران، محفل سری- اصطلاح نویسنده برای گروه کوچکی که دور تزار و تزارینا و راسپوتین را گرفته و پیش از انقلاب بر روسیه حکومت می کردند.

کمپرادورها (سرمایه دارهای وابسته)- ایادی بومی سرمایه های خارجی در چین.

کمون- رژیم انقلابی کارگران فرانسه که به دنبال قیام کارگران در سال ۱۸۷۱ در پاریس برقرار شد و هفتاد و دو روز قدرت را در دست داشت.

کمیسر- کمیسر در حکومت مرکزی معادل با وزیر بود؛ اما این نام به نمایندگان حکومت در ایالات، که جانشین فرمانداران تزار شده بودند، نیز اطلاق می شد، هم چنین به نمایندگان ویژه ی حکومت در واحدهای مختلف ارتش هم کمیسر می گفتند. مثلاً: "کمیسر جبهه ی غرب"، "کمیسر ستاد کل"، و غیره.

کولاک- "مشت"- کنایه کشاورزان ثروتمند.

کرجی- اهل گرجستان، ایالتی در جنوب شرقی روسیه ی اروپا.

مجلس مؤسسان- مجلسی که به وسیله ی رأی گیری عمومی انتخاب شده بود و بنا بر وعده ی حکومت وظیفه داشت قانون اساسی دائمی روسیه را تعیین کند.

هانس- اتحادیه ی هانسیاتیک شهرهای تجاری در شمال آلمان در قرون وسطا.

بازنویس: یاشار آذری